

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: سونالی کولهاکار
فرستنده: عثمان حیدری
۰۳ جون ۲۰۲۰

چرا تئوری‌های توطئه بسیار خطرناک هستند؟

عبور از تئوری‌های توطئه کار آسانی نیست، اما اگر ما می‌خواهیم برای یک جهان بهتر سازماندهی کنیم، ضرورت دارد. توطئه‌های حقیقی بسیاری آشکارا در جریان می‌باشند و کاملاً مستند شده‌اند و می‌توان آن‌ها را آن‌طور که هستند دید. جنگ‌های ایالات متحده برای پیشبرد منافع مالی و سیاسی خود، کمک مالی شرکت‌های سوخت فسیلی به انکارکنندگان تغییرات اقلیمی که به اهداف آن‌ها خدمت می‌کنند، یا شرکت‌های داروسازی که فقط به این دلیل که می‌توانند، داروها را به امریکائی‌ها بسیار گران می‌فروشند.



یک ویدیوی مستند اسرارآمیز جدید دربارهٔ همه‌گیری ویروس کرونا، که زیرکانه تولید شده، علی‌رغم این‌که پایگاه‌های گوناگون به دفعات آن را حذف کرده‌اند، میلیون‌ها بار تماشا شده است. بنا به گزارش بی بی سی، ویدیوی «همه‌گیری برنامه‌ریزی شده» (Plandemic) «از اطلاعات نادرست پزشکی پُر است» و ادعا می‌کند که «ویروس باید از یک محیط آزمایشگاهی بیرون آمده باشد و ممکن نیست طبیعی رخ داده باشد؛ این‌که استفاده از ماسک و دستکش عملاً مردم را بیمارتر می‌کند؛ و این‌که بستن سواحل به دلیل وجود «میکروب‌های شفا بخش» در آب، «دیوانگی» است.» ویدیو یک پایهٔ ظاهراً علمی و معتبر برای اعتراضات فعالان راست افراطی ارائه می‌نماید که در سراسر کشور علیه «در خانه ماندن» اعتراض می‌کنند، و حتا برخی از آن‌ها علامتی را در دست دارند که بر روی آن «همه‌گیری برنامه‌ریزی شده» نوشته شده است.

چرا مردم این همه به تئوری‌های گسترده و شگفت‌انگیز توطئه باور دارند؟

روانشناسان سال‌ها تلاش کرده اند به این پرسش پاسخ بدهند، و برخی گفته اند که لحظات بحران و اضطراب ناشی از آن ما را برای پذیرش ادعاهای دور از ذهنی که سعی دارند جهان را قابل درک کنند، پذیرا تر می‌نمایند. یک پژوهش منتشر شده در ژورنال «انجمن روان‌شناسی آمریکا» به این نتیجه رسید که «رویدادهای اضطراب بر انگیزتر زندگی و اضطراب متصور بیشتر، باور به تئوری‌های توطئه را قابل پیش‌بینی می‌نمایند.»

گرچه تصمیم به باور به تئوری‌های توطئه ممکن است در باورکنندگان، با دانشی که فقط آن‌ها دارند، احساس توانمندی به وجود آورد، اما پی‌آمد باور جمعی به ایده‌های مهمل معمولاً به سیاست‌های پسرگرا می‌انجامد. باور به تئوری‌های توطئه مانع سازماندهی سیاسی ترقی‌خواهانه می‌شود و به اعتبار چپ آسیب می‌رساند.

در مورد ویدیوی «پلان‌دمیک»، جودی میکویتس، دانشمند بی‌اعتباری که در قلب فلم قرار دارد، حتا در توئیتر، از رئیس‌جمهور دونالد ترامپ به خاطر حمله او به دکتر آنتونی فاوچی، کارشناس برجسته بیماری‌های واگیردار کشور- همان کاری که اکثر هواداران خود ترامپ انجام دادند- تشکر کرد.

تئوری‌های عجیب و خطرناک میکوویتس درباره منشأ ویروس، پژواک ایده خود ترامپ است که می‌گوید چین ویروس کووید-۱۹ را در یک آزمایشگاه تولید کرد. بر اساس صفحه توئیتر میکوویتس، او به شرکت در مصاحبه‌ها درباره فلم و تبلیغ آن ادامه می‌دهد.

نزدیک به دو دهه پیش، زمانی که ایالات متحده هدف حملات تکان‌دهنده ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ قرار گرفت، امریکایی‌ها به طرز مشابهی مجذوب تئوری‌های توطئه‌ای شدند که بر دور چیزی که بعدها «جنبش حقیقت ۱۱ سپتامبر» نامیده شد، شکل گرفت. این ایده که دولت جورج دبلیو بوش به نحوی درگیر حملات تروریستی هولناکی بود که هزاران امریکایی را کشت، ظاهراً به کسانی که نمی‌توانستند بپذیرند که آن حملات پی‌آمد دهه‌ها سیاست خارجی و برانگیز امریکا بود، تسلی می‌داد. در سال‌های پس از حملات، میلیون‌ها امریکایی فلم «پول خرد» (Loose Change) را که به مثابه سند مرکزی جنبش «حقیقت‌یاب» تلقی می‌شود، تماشا و پخش کردند.

ده سال پس از پخش «پول خرد»، دیلن آوری فلم‌ساز آن، انگیزه خود را برای ساختن فلم توضیح داد و گفت: «۱۱ سپتامبر برای من «به دنیای واقعی خوش آمدید» بود. بهترین دوست من در خارج در جنگی شرکت داشت که پی‌آمد مستقیم این رویداد بود، و این یکی از دلایل اصلی بود که طی این سال‌ها مرا به حرکت واداشت. اگر من بتوانم به نحوی این آگاهی را بالا ببرم که این رویداد فریبکارانه و معیوب بود، ممکن بود دوست من زودتر به خانه بازگردد... من در آن زمان از چیزی خشمگین بودم، و آن شیوه من برای ابراز آن خشم بود.»

حتا آوری به این اذعان نمود که یکی از ادعاهای اصلی فلم-بخشی که اسامه بن لادن را نشان می‌دهد-ساختگی بود، دلیل آن ممکن است این بوده باشد که «چیزی که من فکر می‌کنم اتفاق افتاد این بود که ابعاد تصویر به هم ریخت، و پس از گذاشتن فلم در اینترنت، او چاق‌تر به نظر می‌رسید.»

یکی از مبلغان اصلی جنبش «حقیقت ۱۱ سپتامبر»، الکس جونز، چهره رسانه‌ای اکنون بی‌اعتباری است که در پشت جنگ اطلاعاتی قرار داشت که ده‌ها تئوری عجیب را که پیروان او جدی می‌گرفتند، ارتقاء می‌داد. از جمله باورمندان به او یک نامزد ریاست جمهوری به نام دونالد ترامپ بود، که جونز درباره او گفت: «این عجیب است که در اینجا در رادیو پیرامون موضوعات صحبت می‌شود و سپس دو روز بعد ترامپ آن‌را کلمه به کلمه تکرار می‌کند.»

اما اشخاص زیادی نیز در چپ وجود دارند که مرتباً به وسیله فلم‌هائی که تئوری‌های توطئه را ارتقاء می‌دهند، فریب می‌خورند. در واقع، فلم «پول خرد» ابتداء در ایستگاه رادیویی که من در آن کار می‌کردم-«ک. پ. اف. ک» شهرت

یافت، فاکتی که در فهرست «آمازون» از فلم به آن اشاره شده است (بله، هنوز در آنجا در لیست قرار دارد). بتازگی، پس از پخش فلم «همه‌گیری برنامه‌ریزی شده»، چند ایمیل از شنوندگان آن ایستگاه رادیو دریافت کردم که از من خواستند فلم را ببینیم و به آن پوشش بدهم که تصادفاً من ابتداء در آنجا در مورد این فلم مستند مشکوک شنیدیم. تئوری‌های توطئه یک جهان‌بینی سهل‌الهمضم را ارائه می‌نمایند که به قابل درک نمودن شرایط گیج‌کننده ما کمک می‌کند. اما آن‌ها برای سازماندهی سیاسی سودمند ویرانگر و متباین هستند. انرژی را تصور کنید که به جای تلاش برای تصحیح کردن سیاست خارجی ایالات متحده در خاورمیانه، صرف‌باور به این شد که «۱۱ سپتمبر یک کار خودی بود.» ادعای این‌که حملات، مستمسکی بود برای جنگ‌ها در افغانستان و عراق، در عمل کار چندانی برای پایان دادن به جنگ‌ها انجام نداده است. این فقط باورمندان به «حقیقت ۱۱ سپتمبر» را قادر ساخته است برای داشتن اطلاعات درونی از دلخراش‌ترین رویداد در حافظه اخیر امریکا، به خود تبریک بگویند.

جنبش ضد مایه‌کوبی امروز که باور خود را بر خطرات واکسن‌ها و انگیزه‌های سودجویانه صنعت داروسازی قرار می‌دهد، عملاً کاری برای پاسخگو کردن آن صنعت انجام نداده است. این جنبش صرفاً موجب افزایش تعداد امریکائی‌هایی شده است که از مایه‌کوبی فرزندان خود صرف‌نظر می‌کنند، که خود این به بازگشت بیماری‌های قبلاً ریشه‌کن شده کمک نموده و آسیب پذیرترین‌های ما را در معرض خطر قرار داده است. در واقع، در حالی‌که جهان در انتظار یک واکسین مؤثر در برابر کووید-۱۹ است، جنبش «ضد واکسین» زمینه را برای خرابکاری در اقدام جمعی بسیار مهم مایه‌کوبی آماده می‌سازد. این تئوری توطئه، به نحوی بسیار واقعی مانع ترقی می‌شود.

ما باید با تسلی فریبده‌ای که تئوری‌های توطئه ارائه می‌نمایند، مبارزه کنیم. اما این به معنای اعتماد کردن به برخی مؤسسات است که در چشم عموم بدرستی بخشی از اعتبار خود را از دست داده اند: مؤسسات علمی که گاهی اشتباه می‌کنند و گاهی با شرکت‌های بزرگ می‌سازند، یا مراکز رسانه‌ای که گاهی چشم خود را می‌بندند و تسلیم ناسیونالیسم می‌شوند، و شرکت‌های داروسازی که ما برای تولید دارو و واکسین‌های نجات‌بخش به آن‌ها اتکاء می‌نماییم، اما آن‌ها فقط برای پول ساختن کار می‌کنند و گاهی به این دلیل به داروهای خطرناک اجازه می‌دهند وارد بازار شوند.

عبور از تئوری‌های توطئه کار آسانی نیست، اما اگر ما می‌خواهیم برای یک جهان بهتر سازماندهی کنیم، ضرورت دارد. توطئه‌های حقیقی بسیاری آشکارا در جریان می‌باشند و کاملاً مستند شده اند و می‌توان آن‌ها را آن‌طور که هستند دید. جنگ‌های ایالات متحده برای پیشبرد منافع مالی و سیاسی خود، کمک مالی شرکت‌های سوخت فسیلی به انکارکنندگان تغییرات اقلیمی که به اهداف آن‌ها خدمت می‌کنند، یا شرکت‌های داروسازی که فقط به این دلیل که می‌توانند، دارو را به امریکائی‌ها بسیار گران می‌فروشند. این توطئه‌های واقعی ممکن است به اندازه این ایده که چهره‌های در سایه ویروس را پراکندند، یا این‌که «۱۱ سپتمبر کار خودی بود» جذابیت نداشته باشند، اما تأثیر بسیار واقعی بر جهان ما دارند، تأثیری که کار غیرجذاب سازمان‌دهی توده‌ای را می‌طلبد. ریختن انرژی و خشم ما در مسیر نادرست، نهایتاً به ما، و نه به نخبگانی که تئوری‌های توطئه مدعی هدف قرار دادن آن‌ها هستند، آسیب می‌رساند.

منبع: نیوزکلیک

تارنگاشت عدالت